

بی برنامه بدون وضعف مدیریت حوزه میراث فرهنگی یزد
باعث نگرانی برای بافت تاریخی در استان شده است

بافت تاریخی رها شده مثل خانه کلنگی



پرگار | سال بیست و دوم | شماره ۲۳۸
آذرماه ۱۴۰۳ | قیمت ۵۰ هزار تومان



مجله پرگار از دهه هشتاد در حال فعالیت است و چندین بار انتشار آن متوقف و مجدد از سر گرفته شده است. تا قبل از سال ۱۳۹۲ خورشیدی و در زمان مدیریت پیشین پرگار، ۳۳ شماره نشریه منتشر شده بود.

بعد از تغییر مدیریت و انتشار فصل جدید پرگار در سال ۹۲ که بعد از چند سال تعطیلی صورت میپذیرفت، پرگار بر اساس یک شماره گذاری جدیدی از رقم یک شروع به کار کرد و تا امروز ۲۰۰ شماره منتشر کرده است. اما شماره پیاپی نشریه رقم ۲۳۳ بود.

به پیشنهاد دوستان اهل نظر از این شماره نشریه، صرفاً رقم شماره پیاپی یعنی شماره انتشار پرگار از زمان صدور مجوز استفاده خواهد شد.

بدین صورت به جای درج دو شماره در روی جلد نشریه با نام های شماره پیاپی و شماره جدید، صرفاً شماره پیاپی نشریه درج و بر این اساس نشریه حاضر، شماره ۲۳۷ پرگار خواهد بود.

امید است دوستان و همراهان که آرشیو پرگار را جمع آوری میکنند به این تغییر کوچک اما مهم، توجه وافر داشته باشند.

در این شماره می خوانید:

یزد و بحرانی که راه حل ندارد..... صفحه ۴

واقعیت های تلخ بحران بی آبی یزد..... صفحه ۶

ضربه ناترازی انرژی به اقتصاد کویر..... صفحه ۱۰

تبعات اجتماعی قطع برق خانگی..... صفحه ۱۳



ماهنامه پرگار

شماره شاباکتابخانه ملی:
ISSN 2383-2649

صاحب امتیاز:

نسرین زمان زاده

مدیر مسئول:

زهره شاه شوازی

قائم مقام مدیر مسئول:

مهدی زمان زاده

سرمدیر:

عاطفه ابراهیمی

دبیر تحریریه:

شادی شفیعی

مجری طرح:

هنر و تجربه ویرگول

صفحه آرایی:

آلتیه طراحی ویرگول

تماس:

یزد - خیابان فهادان، جنب هتل
کوروش، پلاک ۷۴

انتشار آگهی:

۰۹۱۹۴۹۶۳۷۳۴

از تمامی علاقه مندان برای همکاری در هفته نامه پرگار دعوت می شود مطالب خود را به ایمیل نشریه ارسال کنند. پرگار نشریه مستقل و متعلق به بخش خصوصی می باشد.

نسخه اینترنتی

www.Pragarnews.ir

“

رهاشدگی بافت تاریخی

مهدی زمان زاده

بافت تاریخی یزد، به عنوان یکی از گسترده ترین بافت های خشتی جهان و نخستین شهر تاریخی ایران ثبت شده در فهرست جهانی یونسکو، امروز بیش از هر زمان دیگری در معرض تهدید است. با وجود ظرفیت بی نظیر این بافت در حوزه های فرهنگی، گردشگری، معماری و هویت شهری، نبود برنامه ریزی منسجم و نبود نگاه راهبردی در حوزه های مرمت، حفاظت و بهره برداری، باعث شده است تا این گنجینه بی بدیل، به تدریج به فراموشی سپرده شود. نخست، در حوزه مرمت، بسیاری از خانه ها، بازارچه ها، و بناهای شاخص، یا به حال خود رها شده اند یا مرمت های سطحی و غیراصولی بر آنها اعمال شده است. کمبود نظارت تخصصی، استفاده از مصالح غیراستاندارد، و سپردن پروژه های مرمتی به افراد غیرمتخصص، موجب شده است که برخی مرمت ها نه تنها به حفظ اثر کمکی نکنند، بلکه به مخدوش شدن اصالت و هویت تاریخی آنها بینجامند. این موضوع، برخلاف اصول بین المللی مرمت، به ویژه منشور ونیز، است که بر حفظ اصالت و پرهیز از مرمت های تخریبی تأکید دارد. در حوزه حفاظت، چالش اصلی نبود سیاست های منسجم و کم اثر بودن تعامل نهادهای متولی همچون اداره کل میراث فرهنگی، شهرداری، و شورای شهر است. نبود طرح های

جامع حفاظت، نبود بودجه پایدار، و فقدان مکانیزم‌های قانونی بازدارنده، باعث شده‌اند تا تصرف‌های غیرقانونی، تغییر کاربری‌های ناهماهنگ، و ساخت‌وسازهای ناسازگار با بافت تاریخی، گسترش یابند. این در حالی است که تجربه‌های موفق جهانی، از جمله در شهرهای تاریخی چون فاس در مراکش یا تولدو در اسپانیا، نشان داده‌اند که حفاظت موفق نیازمند مشارکت مردمی، سیاست‌های تشویقی و الزام‌آور، و مدیریت یکپارچه است.

در بخش بهره‌برداری نیز، فرصت‌های طلایی این بافت مغفول مانده‌اند. با وجود پتانسیل‌های فراوان در گردشگری فرهنگی، صنایع‌دستی، اقامتگاه‌های بومی و فضاهای هنری، بهره‌برداری از بافت یا به شکل سنتی و ناکارآمد انجام می‌شود، یا با الگوبرداری‌های نادرست، آن را به یک کالای تجاری بی‌هویت بدل می‌کند. بهره‌برداری‌های صرفاً اقتصادی، بدون در نظر گرفتن ظرفیت تحمل بافت و نیازهای ساکنان بومی، منجر به فرسایش فرهنگی و اجتماعی شده است.

در نهایت، رهاشدگی بافت تاریخی یزد نه صرفاً یک مسأله کالبدی، بلکه نشانه‌ای از یک بحران فرهنگی و مدیریتی است. تا زمانی که نگاه به این بافت صرفاً از دریچه گردشگری یا بازده اقتصادی باشد و نه به مثابه یک زیست‌بوم فرهنگی زنده، خطر فرسایش و فروپاشی آن ادامه خواهد داشت. احیای این میراث، نیازمند اراده‌ای فراتر از اقدامات مقطعی است؛ نیازمند برنامه‌ای جامع، نگاه بین‌رشته‌ای، و مشارکت واقعی جامعه محلی در تصمیم‌گیری و اجرا.

“

ضعف مدیریت میراث فرهنگی یزد زنگ خطری برای جهانی ماندن

شهر تاریخی یزد که در سال ۱۳۹۷ با افتخار در فهرست میراث جهانی یونسکو ثبت شد، امروز با تهدیداتی مواجه است که نه تنها اصالت بافت تاریخی آن را در معرض آسیب قرار داده، بلکه آینده جایگاه جهانی آن را نیز با ابهام روبه‌رو کرده است. بررسی میدانی و اظهارنظرهای کارشناسان نشان می‌دهد که ضعف ساختاری و اجرایی در مدیریت میراث فرهنگی، ناتوانی در مهار تخریب‌های مردمی، و پیچیدگی مسیرهای قانونی برخورد با متخلفان، مهم‌ترین عوامل تهدیدآفرین در این زمینه به شمار می‌روند.

بافت تاریخی یزد؛ گنجینه‌ای در حال فرسایش

بافت تاریخی یزد با وسعتی بالغ بر ۷۰۰ هکتار و هزاران بنای تاریخی خشتی، یکی از بزرگ‌ترین و پیوسته‌ترین بافت‌های تاریخی جهان به شمار می‌رود. این بافت، علاوه بر ارزش‌های معماری، نمادی از زیست شهری منطبق با اقلیم کویری و سنت‌های اجتماعی ایرانی است. اما این میراث گرانبها در سال‌های اخیر نه تنها مرمت مؤثر و پایدار نشده، بلکه روند فرسایش، تخریب و تغییر کاربری‌های ناهماهنگ، رو به افزایش گذاشته است.

دکتر حمیدرضا عباسی، استاد مرمت و عضو هیئت علمی دانشگاه هنر اصفهان، در گفت‌وگویی اظهار داشت: «اگر نهادهای ذی‌ربط، به‌ویژه اداره کل میراث فرهنگی استان یزد، نتوانند در آینده‌ای نزدیک برنامه‌ای جامع و الزام‌آور برای حفاظت بافت اجرا کنند، بدون تردید یونسکو وارد عمل خواهد شد و یزد را به‌عنوان یک شهر در معرض خطر اعلام می‌کند.»

تخریب‌های مردمی؛ از ناآگاهی تا سوداگری

یکی از معضلات اصلی، دخالت‌های غیراصولی و گاه سودجویانه توسط مالکان و ساکنان بافت تاریخی است. نصب پنجره‌های مدرن، تخریب طاق‌های خشتی، افزایش ارتفاع ساختمان‌ها، تغییر کاربری بدون ضابطه و حتی تخریب شبانه، نمونه‌هایی از اقداماتی هستند که روزانه در این بافت به وقوع می‌پیوندد. نکته نگران‌کننده آن است که بسیاری از این تخریب‌ها نه از روی عناد، بلکه به دلیل ناآگاهی از ارزش‌های میراثی و نبود آموزش عمومی رخ می‌دهند. در گفت‌وگو با یکی از ساکنان بافت، وی گفت: «ما نمی‌دانیم چه کاری مجاز است و چه کاری ممنوع. نه اطلاع‌رسانی وجود دارد، نه آموزش. اگر بخواهیم مجوز بگیریم، ماه‌ها معطل می‌شویم. مجبوریم خودمان دست‌به‌کار شویم.»

این سخنان پرده از ضعف جدی نهادهای متولی در حوزه آموزش، ارتباط با مردم و تسهیل خدمات مرمتی برمی‌دارد. در نبود این ارتباط سازنده، فاصله مردم با قانون و معیارهای میراثی بیشتر شده و فضای تخریب گسترش یافته است.

ضعف اقدام حقوقی؛ قانون هست، ضمانت اجرا نه

در حالی که قوانین مختلفی در کشور برای حفاظت از بناهای تاریخی وجود دارد، از جمله قانون حفظ آثار ملی مصوب ۱۳۰۹ و قانون مجازات اسلامی، اما تجربه میدانی نشان می‌دهد که فرآیند برخورد قانونی با متخلفان طولانی، پرهزینه و در مواردی بی‌نتیجه است. بسیاری از مالکانی که اقدام به تخریب یا دخل‌وتصرف کرده‌اند، با استفاده از خلأهای قانونی یا حتی حمایت‌های محلی، از پیگرد موثر می‌گریزند.

کارشناسان حقوقی معتقدند یکی از دلایل اصلی این ناکارآمدی، نبود دادگاه تخصصی میراث فرهنگی و ناآشنایی برخی قضات با اصول فنی و بین‌المللی حفاظت میراث است. نتیجه این روند، از بین رفتن بخش‌هایی از بافت و تضعیف اعتبار قانونی نهادهای حافظ میراث شده است.

نقش مدیریت میراث فرهنگی؛ تأخیر، تعلل، بی‌برنامه‌گی

نقش مدیریت میراث فرهنگی، به‌ویژه در سطح استان، در مواجهه با این بحران‌ها تعیین‌کننده است. با این حال، انتقادات زیادی متوجه این نهاد است. کمبود نیروی متخصص، ناهماهنگی با شهرداری، ضعف در تدوین و اجرای طرح‌های حفاظتی، و نبود ارتباط مؤثر با دانشگاه‌ها و تشکل‌های مردمی، از جمله ضعف‌های مدیریتی عنوان شده‌اند. یکی از فعالان حوزه میراث در یزد، با اشاره به این موضوع گفت: «میراث فرهنگی بیشتر در نقش ناظر منفعل ظاهر می‌شود تا مدیر فعال. اگر کسی تخلفی کرد، تازه وارد ماجرا می‌شوند و تا بخواهند پیگیری کنند، دیر شده است.»

تهدید وضعیت جهانی یزد

ثبت جهانی یک اثر تاریخی، تنها یک افتخار نیست، بلکه تعهدی سنگین برای حفظ و سیانت از آن به حساب می‌آید. یونسکو طی سال‌های اخیر به برخی کشورها هشدار داده و حتی برخی آثار را به دلیل تخریب یا فقدان برنامه حفاظتی، از فهرست خارج کرده است. نمونه‌هایی چون جنگل‌های ماداگاسکار یا شهر تاریخی بام در مالی، نشان داده‌اند که حذف از فهرست جهانی امری محتمل و بدون تعارف است.

در این شرایط، تداوم وضعیت کنونی بافت تاریخی یزد، به‌ویژه در صورت افزایش تخریب‌ها و ضعف برنامه‌ریزی، می‌تواند منجر به درج این شهر در فهرست «میراث در معرض خطر» شود؛ موضوعی که به گفته مسئولان یونسکو، می‌تواند مقدمات حذف نهایی از فهرست میراث جهانی را فراهم کند.

یزد، اگرچه هنوز فرصت احیا و نجات دارد، اما این فرصت به‌سرعت در حال از دست رفتن است. آنچه اکنون مورد نیاز است، نه صرفاً اقدامات مقطعی، بلکه تدوین یک طرح جامع

مدیریت حفاظتی، برخورد جدی با تخلفات، تسهیل مرمت اصولی، مشارکت دادن مردم، و تقویت هماهنگی میان دستگاه‌های اجرایی است. تنها در این صورت است که می‌توان از یک فاجعه میراثی جلوگیری کرد و جایگاه جهانی یزد را برای نسل‌های آینده حفظ نمود.

“

میراث فرهنگی یزد قربانی توریسم؟

میراث فرهنگی، ثروتی تاریخی و هویتی است که پاسداشت آن وظیفه‌ای ملی و بین‌المللی است. با این حال، در سال‌های اخیر، در بسیاری از مناطق تاریخی ایران، به‌ویژه در شهرهایی مانند یزد، رویکرد غالب در مدیریت میراث فرهنگی بیشتر از آن‌که مبتنی بر اصول حفاظت و نگهداشت اصالت باشد، به سمت توسعه صنعت گردشگری سوق یافته است. این تغییر رویکرد اگرچه در ظاهر با شعار «حفاظت از طریق بهره‌برداری» توجیه می‌شود، اما در عمل در بسیاری موارد به تخریب آرام و تدریجی میراث انجامیده است.

در شهر یزد، که با ثبت جهانی در فهرست یونسکو به یکی از قطب‌های اصلی گردشگری ایران بدل شده، مشاهده می‌شود که بسیاری از بناهای تاریخی صرفاً به چشم بستری برای جذب گردشگر نگریسته می‌شوند. خانه‌های تاریخی که روزی اصالت خود را از سادگی، مصالح بومی و فضاهای سنتی می‌گرفتند، امروز یکی پس از دیگری به مهمانسرا، کافه یا اقامتگاه‌هایی با طراحی مدرن، نورپردازی‌های مصنوعی و مصالح نامتجانس تبدیل می‌شوند. در این میان، ارزش تاریخی و هویتی این بناها به حاشیه رفته و جای خود را به جذابیت‌های موقتی بازار گردشگری داده است.

یکی از مهم‌ترین آسیب‌های ناشی از غلبه نگاه توریستی، نادیده گرفتن اصول مرمت علمی است. برای تبدیل سریع یک بنای تاریخی به اقامتگاه، بسیاری از ضوابط فنی، از جمله پرهیز از دخالت‌های غیرقابل بازگشت، حفظ مصالح سنتی و رعایت تناسبات معماری، کنار گذاشته می‌شود. به جای مرمت تدریجی و حفاظتی، شاهد بازسازی‌های سریع، سطحی و گاه نمایشی هستیم؛ بازسازی‌هایی که نه تنها اصالت بنا را از بین می‌برد، بلکه در بلندمدت موجب فرسایش بیشتر آن خواهد شد.

از سوی دیگر، تمرکز افراطی بر درآمدزایی از گردشگری، موجب شده اولویت تخصیص منابع مالی و انسانی نیز به سمت پروژه‌های توریستی متمایل شود. درحالی که بسیاری از آثار ارزشمند در بافت تاریخی در سکوت و فراموشی در حال تخریب هستند، بودجه‌ها صرف توسعه زیرساخت‌های گردشگری، تبلیغات یا تسهیلات بخش خصوصی می‌شود. حتی گاه دیده شده که تصمیم‌گیری‌ها در حوزه میراث، نه با نظر متخصصان حفاظت، بلکه با مشورت فعالان گردشگری و سرمایه‌گذاران گرفته می‌شود؛ روندی که میراث را از یک ارزش فرهنگی به کالایی اقتصادی تنزل می‌دهد.

این وضعیت در تعارض آشکار با روح کنوانسیون‌های بین‌المللی مانند کنوانسیون ۱۹۷۲ یونسکو است که تأکید دارد گردشگری باید در خدمت حفاظت میراث قرار گیرد، نه بالعکس. نگاه ابزارمحور به میراث، اگر اصلاح نشود، نه تنها به تخریب تدریجی هویت تاریخی منجر خواهد شد، بلکه در بلندمدت از جذابیت اصیل شهر برای گردشگران نیز خواهد کاست.

اگر مدیریت میراث فرهنگی بخواهد در برابر این روند ایستادگی کند، باید دوباره تعادل را بین حفاظت و بهره‌برداری برقرار سازد. حفظ اصالت، اولویت دارد بر بهره‌برداری؛ و توریسم پایدار، تنها زمانی محقق می‌شود که میراث باقی بماند.

“

جلوی مرمت غیر اصولی را بگیرد

یزد، بافتی زنده از تاریخ ایران زمین است؛ شهری که هزار سال با مصالح بومی، عقل اقلیمی و هنر زیستن در کویر ساخته شده و امروز یکی از معدود نمونه‌های به‌جامانده از شهرهای خشتی جهان به شمار می‌رود. اما همین گنجینه ارزشمند، که از سال ۱۳۹۶ در فهرست میراث جهانی یونسکو ثبت شده، در سال‌های اخیر با تهدیدی خزنده و خطرناک روبه‌رو شده است: مرمت‌های غیر اصولی، سطحی، و گاه مخرب که به بهانه بازآفرینی و توسعه گردشگری، بخش‌هایی از بافت را از اصالت تهی کرده‌اند.

متأسفانه بسیاری از این مداخلات، بدون نظارت دقیق فنی، بدون مجوزهای لازم، و بدون رعایت اصول علمی مرمت انجام می‌شوند. در مواردی نیز خود دستگاه‌های اجرایی یا نهادهای دولتی و شبه‌دولتی، برای سرعت در بهره‌برداری، مسیر اصولی مرمت را دور زده‌اند. تداوم این وضعیت، نه تنها چهره شهر تاریخی یزد را مخدوش کرده، بلکه آینده ثبت جهانی آن را نیز در معرض خطر قرار داده است.

مرمت یا تخریب آرام؟

در قاموس میراث فرهنگی، مرمت تنها به معنای «تعمیر» نیست. مرمت باید فرآیندی

علمی، تدریجی، با شناخت دقیق از بنا، مصالح، اقلیم و کاربری‌های تاریخی باشد. مرمت صحیح، همزمان با حفظ اصالت، زندگی را به بنا بازمی‌گرداند؛ اما آنچه امروز در بخش‌هایی از بافت تاریخی یزد دیده می‌شود، بیشتر به «بازسازی تجاری» شباهت دارد تا مرمت علمی.

کاهگل‌های صنعتی، نمای‌سازی‌های مدرن با الگوی سنتی، افزودن عناصر معماری بی‌ریشه، حذف جزئیات تاریخی، تخریب بخش‌هایی از بنا برای ایجاد ورودی جدید یا افزایش ارتفاع و نورگیری، تنها بخشی از اقدامات نادرستی است که با برچسب «مرمت» در حال اجراست.

در بسیاری از موارد، این‌گونه مداخلات برای تبدیل بناهای تاریخی به اقامتگاه، کافه، گالری یا مرکز فروش صنایع دستی انجام می‌شود؛ و بدتر آنکه گاهی با مجوزهای موقت یا با چشم‌پوشی دستگاه‌های مسئول همراه است. در چنین شرایطی، نه‌تنها میراث تاریخی دچار تحریف می‌شود، بلکه الگویی خطرناک در سطح شهر ترویج می‌یابد؛ الگویی که به سرمایه‌گذاران پیام می‌دهد: «اصالت مهم نیست، بازدهی مهم است.»

خلأ نظارتی و سکوت دولت

این وضعیت، در خلأ نظارت دقیق و قاطعانه دستگاه‌های متولی میراث فرهنگی گسترش یافته است. اداره کل میراث فرهنگی استان، با تمام محدودیت‌های بودجه‌ای و نیروی انسانی، نتوانسته یا نخواسته با این روند مقابله کند. بسیاری از پروژه‌های پرمناقشه، با وجود اعتراض کارشناسان، بدون توقف ادامه یافته‌اند یا پس از اجرا با سکوت همراه شده‌اند. حتی در برخی موارد دیده شده که دستگاه‌های اجرایی شهری خود مسبب مرمت‌های نادرست بوده‌اند.

اینجاست که دولت باید با قاطعیت وارد عمل شود دولت به‌عنوان نماینده حاکمیت، وظیفه قانونی و اخلاقی دارد که از اموال فرهنگی و تاریخی مردم حفاظت کند؛ چه در قالب قانون حفظ آثار ملی، چه با استناد به کنوانسیون‌های بین‌المللی که ایران به آن‌ها پیوسته است. برخورد با مرمت‌های غیراصولی، نباید تنها وظیفه میراث فرهنگی باشد. دستگاه قضایی، استانداری، فرمانداری، شوراها و شهرداری، همگی باید در این روند

مشارکت مؤثر داشته باشند.

پیشنهادهای برای اقدام فوری

۱. ایجاد کمیته نظارت فرابخشی تشکیل کمیته‌ای با حضور نماینده میراث فرهنگی، دادستانی، شهرداری، نظام مهندسی و دانشگاه‌های مرتبط، برای بررسی فوری پروژه‌های مرمتی در بافت تاریخی و توقف پروژه‌های مشکوک.
 ۲. تدوین ضوابط اجرایی الزام‌آور تهیه دستورالعمل شفاف برای مرمت بناهای تاریخی با اولویت مصالح سنتی، اجزای بومی، و منع شدید هرگونه بازسازی بصری یا کاربری مغایر با هویت تاریخی.
 ۳. شفاف‌سازی مجوزها و اعلام عمومی همه مجوزهای مرمت و تغییر کاربری در بافت تاریخی باید در یک سامانه عمومی و شفاف بارگذاری شوند تا شهروندان و متخصصان بتوانند در جریان امور قرار گیرند.
 ۴. تقویت بازوی نظارت و گزارش‌دهی مردمی شهروندان، فعالان مدنی و انجمن‌های میراث‌دوست می‌توانند نقش مؤثری در شناسایی و اعلام پروژه‌های غیراصولی داشته باشند. دولت باید این ظرفیت را به رسمیت بشناسد و سازوکار قانونی حمایت از آن فراهم آورد.
 ۵. پیگرد قانونی تخلفات با اولویت بالا هرگونه مرمت بدون مجوز، تغییر نما، دخل و تصرف در کالبد بناهای ثبت‌شده و تخریب عناصر تاریخی، باید مشمول پیگرد فوری و برخورد حقوقی قرار گیرد.
- اگر امروز دولت نسبت به مرمت‌های غیراصولی در بافت تاریخی یزد سکوت کند، فردا باید پاسخ‌گوی از دست رفتن بخشی از هویت ملی باشد. این مسئله صرفاً موضوعی محلی یا فنی نیست، بلکه حیثیتی ملی و تعهدی بین‌المللی است. ورود دولت به این عرصه، نه تنها تضمین حفظ بافت تاریخی برای نسل‌های آینده است، بلکه پیامی روشن برای سودجویان خواهد بود: میراث فرهنگی ایران حریم امن سوداگری نیست.



سایت خبری برای مردم استان یزد